

نگاه
اندیشگده

جای تعجب نیست که هم ایران و هم ایالات متحده با احتیاط و بدبینی به اولین تعامل دیپلماتیک خود در چهار سال اخیر نزدیک شده‌اند. اگرچه این یک مانع غیرقابل عبور نیست، اما غلبه بر بیش از ۴۰ سال دشمنی متقابل بین طرفین، کار بسیار دشواری است. هر دو طرف در طول بیش از ۴ دهه گذشته، روابط خصمانه و جنگ‌طلبانه علیه یکدیگر داشته‌اند. اما مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، پیش از آغاز مذاکرات در مسقط عمان گفت: «ما به دنبال جنگ نیستیم، اما در مقابل هر تجاوزی با قدرت خواهیم ایستاد.» واکنش نیز به همان اندازه اظهارات سختگیرانه‌ای را بیان کرده است. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گفته است: «اگر آنها به توافق نرسند، بمباران خواهند شد.»

دلایل زیادی برای شک و تردید در مورد احتمال منتهی شدن مذاکرات ایران و آمریکا به توافق وجود دارد. اما این نیز اشتباه خواهد بود که فرض کنیم شرایط سال ۲۰۲۵ مشابه شرایط سال ۲۰۱۵ است. در آن زمان و در جریان مذاکره بر سر برنامه جامع اقدام مشترک، ایران کارت‌های بازی بیشتری نسبت به امروز داشت. ممکن است برخی بگویند که ایرانی‌ها به مانند گذشته به دنبال خرید زمان هستند و از مذاکرات به عنوان ابزاری برای خرید زمان استفاده می‌کنند اما واقعیت این است که امروز گذشت زمان به هیچ‌وجه به نفع ایران نیست. اقتصاد ایران در حوزه ارزش پول ملی، ناترازی‌های انرژی و کاهش درآمد ارزی با وضعیت بسیار بحرانی دست‌وپنجه نرم می‌کند. علاوه بر این، تغییرات ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و جامعه جهانی احتمالاً به ایران انگیزه می‌دهد تا به سمت توافق حرکت کند. البته به این شرط که واکنشگن در مذاکرات با ایران صادق و واقع‌بین باشد.

تغییر شرایط منطقه‌ای و جهانی

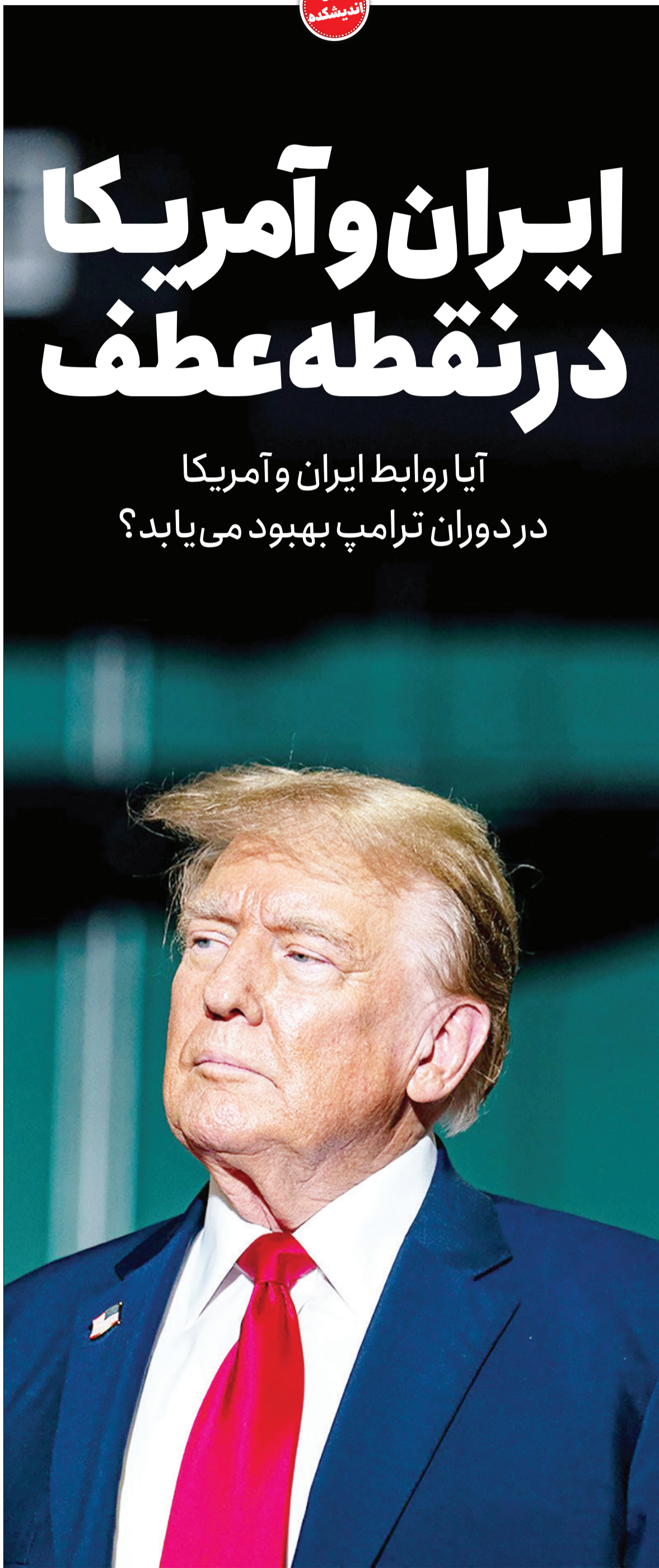
بنابراین باید به این سوال پاسخ داد که چه چیزی در یک دهه گذشته تغییر کرده است که می‌تواند محاسبات چانه‌زنی ایران را در دور کنونی مذاکرات تغییر دهد؟ نخست اینکه منطقه خاورمیانه متحول شده است. با توجه به زنجیره حوادثی که پس از حملات حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رخ داد، ایران دیگر نمی‌تواند به مجموعه شبه‌نظامیان و متحدین منطقه‌ای خود برای بازگرداندگی در برابر ایالات متحده و اسرائیل تکیه کند. بنابراین اگر مذاکرات شکست بخورد، ایران با خطری بالقوه روبه‌رو خواهد بود. تضعیف حماس و حزب‌الله و از دست رفتن سوریه‌ی بشار اسد به‌عنوان متحد استراتژیک ایران، به این معناست که سپر امنیتی که ایران در سال‌های گذشته تلاش زیادی برای شکل‌دهی آن در اطراف خود کرده بود، به شدت آسیب دیده است. در واقع، این شبه‌نظامیان متحد ایران در منطقه، با توجه به برداشت اینکه واکنشگن و تل آویو ایران را در قبال اقدامات آنها مسئول می‌دانند، مسئولیت‌ها و هزینه‌هایی برای ایران ایجاد کرده‌اند.

بنابراین به دلیل این آسیب‌پذیری، احتمالاً محاسبات ایران این است که در صورت شکست مذاکرات، خطر قابل توجهی وجود دارد که اسرائیل، با حمایت آمریکا، حملاتی را به دارایی‌های نظامی و هسته‌ای ایران انجام دهد. با توجه به اینکه خطر فرم اقدامات نظامی مستقیم اسرائیل و تهران علیه یکدیگر در سال ۲۰۲۴ شکسته شده، این احساس خطر دیگر یک احساس خطر فرضی نیست.

چشم‌انداز دیپلماسی ایران با ایالات متحده در پرونده هسته‌ای را نباید به صورت مجزا در نظر گرفت، بلکه باید آن را به‌عنوان بخشی از یک تغییر بالقوه و کلی در نگاه ایران در حرکت به سمت دیپلماسی در سراسر جهان دانست. با تضعیف قدرت بازدارندگی، به نظر می‌رسد ایران می‌خواهد بر پیشرفت دیپلماتیکی که قبلاً با رقبای منطقه‌ای، به‌ویژه عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس داشته است، همراه شود. به نوعی می‌توان دیپلماسی منطقه‌ای تهران را به‌طور غیرمستقیم با مذاکرات کنونی با واکنشگن مرتبط دانست. ایران از عربستان سعودی می‌خواهد که به‌عنوان وزنه‌ای در برابر فشار اسرائیل بر آمریکا عمل کند و آمریکا را از اتخاذ مواضع حداکثری و غیرواقع‌گرایانه در مذاکرات و حتی اقدام نظامی علیه تهران منصرف کند.

شرایط نوظهور جهانی نیز می‌تواند انگیزه‌ای برای توافق احتمالی بین ایالات متحده و ایران باشد. تهدید بازگشت احتمالی تحریم‌های سازمان ملل متحد بر روی سر ایران است. در توافقنامه برجام در سال ۲۰۱۵ این تحریم‌ها تا اکتبر سال ۲۰۱۵ تعلیق شد اما برجام در ماه اکتبر منقضی می‌شود و اگر توافقی به دست نیاید، این احتمال وجود دارد که این تحریم‌ها به واسطه فعال شدن مکانیزم ماشه از سوی کشورهای اروپایی بار دیگر بازگردد. همین مسئله ممکن است به ایران انگیزه‌های بیشتری دهد تا با جدیت بیشتری با آمریکایی‌ها مذاکره کند. علاوه بر این، پتانسیل بازگشت روسیه به جامعه جهانی توسط واکنشگن می‌تواند تهران را به این باور برساند که اهرم فشار خود را در مسکو از دست داده و دست خود را با ایالات متحده ضعیف کرده است. ایفای نقش میانجی بین آمریکا و ایران، در صورتی که مذاکرات با شکست مواجه شود، خارج از گزینه‌های مدنظر روسیه نیست؛ این چیزی است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه از آن لذت می‌برد.

و حالا چین، در حالی که با تهران در خصوص لزوم عقب راندن ایالات متحده اشتراک نظر دارد، برای برقراری ثبات در خاورمیانه ارزش زیادی قائل است. ایرانی‌ها از این خطر آگاه هستند که اگر مذاکرات با ایالات متحده شکست بخورد و آنها مجبور شوند با تقویت متحدین مسلح خود در منطقه بار دیگر در خاورمیانه فعال شوند، پکن ممکن است به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک از ایران فاصله بگیرد.



عکس: Gettyimages

ایران و آمریکا در نقطه عطف

آیا روابط ایران و آمریکا در دوران ترامپ بهبود می‌یابد؟

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



The New York Times

چرایی حمایت ریاض از توافق ایران و آمریکا

۱۰ سال پیش، زمانی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده و دیگر رهبران جهانی به توافقی با ایران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای این کشور رسیدند، عربستان سعودی ناراضی بود. مقامات سعودی این توافق را «ضعیف» توصیف کردند و گفتند که تنها باعث جسورتر شدن رقیب منطقه‌ای‌شان، ایران، شده است. آنها زمانی که دونالد ترامپ چند سال بعد از این توافق خارج شد، ابراز خوشحالی کردند. اکنون، با آغاز دور دوم ریاست‌جمهوری ترامپ و مذاکراتی که ممکن است به توافقی مشابه منجر شود، نگاه عربستان تغییر کرده است. وزارت امور خارجه عربستان سعودی اخیراً بیانیه‌ای صادر کرده که در آن ابراز امیدواری کرده است این مذاکرات که با میانجی‌گری کشور همسایه، عمان، در حال انجام است، به «صلح در منطقه و جهان» کمک کند. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، حتی برادر خود، خالد بن سلمان، وزیر دفاع را به تهران فرستاده است. او در آنجا با استقبال گرم مقامات ایرانی در لباس نظامی روبه‌رو شد و نامه‌ای را به‌صورت دستی به مقامات ایران، تحویل داد. چه چیزی تغییر کرده است؟ روابط بین عربستان سعودی و ایران در دهه گذشته گرم‌تر شده است. از سوی دیگر، عربستان در حال اجرای برنامه‌ای برای تنوع‌بخشی به اقتصاد خود است تا وابستگی به نفت را کاهش داده و این کشور را به مرکز تجارت، فناوری و گردشگری تبدیل کند. احتمال پرواز پهپادها و موشک‌های ایرانی بر فراز عربستان در نتیجه تنش‌های منطقه‌ای، تهدیدی جدی برای این برنامه است. کریستین اسمیت دیوان، پژوهشگر ارشد مؤسسه کشورهای عرب خلیج فارس در واکنشگن می‌گوید: «طرز فکر آنها امروز متفاوت است. در زمان اوباما، کشورهای حاشیه خلیج فارس از نزدیکی ایران و آمریکا می‌ترسیدند که ممکن بود آنها را منزوی کند. اما در زمان ترامپ، آنها از تشدید تنش‌ها بین ایران و آمریکا می‌ترسند که ممکن است خودشان را هدف قرار دهد.» ایران و آمریکا روز شنبه دور دوم مذاکرات دیپلماتیک درباره فعالیت‌های هسته‌ای تهران را به پایان رساندند و برای مذاکراتی پرشتاب برنامه‌ریزی کردند. ترامپ درباره اهداف این مذاکرات مبهم سخن گفته و تنها تأکید کرده که «ایران نباید به بمب هسته‌ای دست یابد.» اما مقامات ایرانی می‌گویند توافقی که در حال شکل‌گیری است، آنها را ملزم به برچیدن زیرساخت‌های هسته‌ای نمی‌کند. کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی، مصر، اردن، قطر و بحرین از این مذاکرات استقبال کرده‌اند و دیپلماسی را به رویارویی ترجیح می‌دهند. بدر البوسعیدی، وزیر خارجه عمان، روز شنبه در پلتفرم ایکس نوشت: «این مذاکرات در حال شتاب گرفتن است و اکنون حتی غیرممکن‌ها نیز ممکن شده‌اند.» این مذاکرات در حالی برگزار می‌شود که تنش‌ها در خاورمیانه بالا گرفته؛ آمریکا در حال بمباران مواضع حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن است و اسرائیل همچنان به بمباران مرگبار غزه ادامه می‌دهد. ماه گذشته، ترامپ گفته بود اگر ایران به توافق نرسد، آن را بمباران خواهد کرد. قرار بود اسرائیل تأسیسات هسته‌ای ایران را از ماه آینده هدف قرار دهد، اما ترامپ در هفته‌های اخیر آنها را منصرف کرده و ترجیح داده با تهران وارد مذاکره شود تا برنامه هسته‌ای اش محدود شود؛ به گفته مقامات دولت آمریکا و منابع مطلع از مذاکرات، فیراس مقصدا، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در مؤسسه مشاوره ریسک سیاسی اوراسیا، می‌گوید: «بیش از هر زمان دیگر، کشورهای عرب خلیج فارس به دنبال حفظ وضعیت موجود و ثبات پایدار هستند؛ چیزی که لازمه تحقق چشم‌اندازهای بزرگ اقتصادی آنهاست. آنها ترجیح می‌دهند فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران و برنامه هسته‌ای اش از طریق دیپلماسی مهار شود.» عربستان سعودی با اکثریت سنی و ایران با اکثریت شیعه، مدت‌ها در دو سوی درگیری‌های منطقه‌ای ایستاده‌اند؛ از جمله جنگ فرسایشی یمن که به یکی از بدترین بحران‌های انسانی جهان تبدیل شد. این دو کشور بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ هیچ روابط دیپلماتیکی نداشتند و به‌صراحت با یکدیگر دشمنی می‌ورزیدند. محمد بن سلمان بارها تهدید کرده که اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست یابد، عربستان نیز چنین خواهد کرد. (به‌طور جداگانه، دولت ترامپ مذاکراتی را از سر گرفته که می‌تواند به عربستان اجازه دسترسی به فناوری هسته‌ای آمریکا و احتمالاً غنی‌سازی اورانیوم را بدهد.) اما در سال ۲۰۲۳، ایران و عربستان اعلام کردند که با میانجی‌گری چین به آشتی رسمی دست یافته‌اند. تا آن زمان، تمرکز سیاست خارجی بن سلمان به سمت کاهش تنش‌های منطقه‌ای تغییر کرده بود.